

نهضت ترجمه و دارالفنون

جمشید کیانفر*

که به دارالخلافه آمده‌اند از این قرار است:

موسیو بارون کومواس / بارون گومز (معلم پیاده‌نظام)

موسیو روگشت کی ژیرد / اوگست کرشیش / کرزیز (معلم توپخانه)

موسیو کولوسطی / زطی (معلم مهندسی)

موسیو نمر و / نمر و (معلم سواره‌نظام)

موسیو دوکتور پولاک / ادوارد یاکوب پولاک (معلم اطبا و جراحان)

موسیو چارنوطا (معلم معدنچی / معلم معدن‌شناسی)

موسیو کاکاتی / فوکه‌تی (معلم طبیعیات) بوده. **

و بلافاصله در نمره ۴۳ سوم صفر همان سال

می‌نویسد:

در میان معلمین که عالیجاه موسیو جان داود همراه

چکیده: نیاز به شناخت تحولات و پیشرفتهای جهانی و تربیت معلمان و فرهیختگان در داخل کشور، وجود اولین مدرسه ایرانی، یعنی دارالفنون را ایجاب می‌کرد. تأسیس مدرسه دارالفنون با پدیده نوظهور دیگری در ایران مقارن بوده که آن هم «نهضت ترجمه» است. در این مقاله به تأسیس و تاریخچه مدرسه دارالفنون و نهضت ترجمه و رابطه میان این دو پدیده اثرگذار فرهنگی در تاریخ ایران پرداخته می‌شود.

کلیدواژه: تاریخ مشروطه، دارالفنون، نهضت ترجمه.

روزنامه وقایع اتفاقیه در صفحه اول نمره ۴۲ یوم پنجشنبه

۲۶ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۸ هـ. ق می‌نویسد:

عالیجاه جان داود مترجم اول دولت علیه ایران که چندی

قبل از این مرخص و در این ضمن مأمور بود که به وینه

پایتخت آستره رفته از اعلیحضرت امپراطور ممالک آستره

چند نفر معلم صاحب‌منصب بخواهد و بیاورد. بر حسب

استدعای مشارالیه چند نفر معلم صاحب‌منصب معین و به

همراهی مشارالیه به دارالخلافه طهران روانه نموده و به خود

مشارالیه نیز کمال التفات فرموده‌اند و اسامی معلمین مزبور

* مصحح متون تاریخی.

** ضبط اسامی بعد از / از نگارنده است.

۱. جان داود یا ژان داود مشهور به میرزا داود خان ارمنی، برادر موسی داود از مسیحیان ایرانی بود که خود و برادرش در تشکیلات اداری که امیرکبیر به نام «هیئت مترجمان» یا «دستگاه مترجمان دولتی» پی‌ریزی کرده بود فعالیت می‌کرد. جان داود از طرف امیرکبیر مأموریت یافت تا به اتفاق میرزا رافائیل آشوری ایرانی برای آوردن معلمان خارجی به اروپا سفر کند. وی معلمانی را که دولت اتریش برای تدریس در دارالفنون انتخاب کرده بود به ایران آورد. ورود او با معلمان خارجی مصادف بود با عزل میرزا تقی‌خان امیرکبیر از صدارت. جان داود مورد توجه امیرکبیر بود و پس از قتل امیر از کارمندان دربار و مترجم ناصرالدین شاه شد. وی در ۱۲۶۸ از اجزای سفارت ایران در پترزبورگ شد و پس از مراجعت به ایران (۱۲۷۵ق) از طرف ناصرالدین شاه حامل نشانی برای فرانسوا ژرف، امپراطور اتریش گردید و در بازگشت نشانی نیز از امپراطور اتریش برای ناصرالدین شاه آورد.

در خانه می‌باشند و در این روزها مترجمین و نظام مدرسه مزبور معین گردیده و اطفال مشغول یادگرفتن علوم می‌باشند و تفصیل آن در هفته‌های آینده نوشته می‌شود.

و این خبر آخری بیانگر آن است که دارالفنون از همان بدو تأسیس و شروع به کار به مترجم و ترجمه نیازمند بوده، همان‌طور که به معلم و مدیر و ناظم و... نیازمند است؛ ولی نام و نشانی از خود مترجمان نیست؛ اما یک سال بعد در نمره ۹۸ پنجم ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۹ هجری قمری خبر مفصلی از مدرسه دارالفنون مندرج است که حکایت از بازدید پادشاه از مدرسه و پیشرفت دانش‌آموختگان مدرسه، برقراری مواجب برای بعضی از آنها «دانش‌آموزان و سایرین را انعام مستمری و ماهانه مرحمت فرمودند و لباس زمستانی از ماهوت و تابستانی خارا و نهار مطبوخ ... و در سالی سه بار حکم امتحان»، بالاخره می‌نویسد تفصیل معلمین و مترجمین از این قرار است:

معلم هندسه عالیجه میرزا ملکم‌خان^۲ است، به شاگردان مدرسه دو درس می‌گوید: یکی درس حساب و هندسه عام است که جمیع شاگردان می‌خوانند؛ و یکی درس خاص است که به ۱۲ نفر شاگردان با استعداد مطالب عالی هندسه را از قواعد محکمه و صنعت نقاشی و علم جغرافیا درس می‌گوید. لازم به توضیح است که در آغاز فعالیت دارالفنون معلم این درس یعنی حساب و هندسه موسیو کولوسطی یا همان زطی بوده و میرزا ملکم‌خان (ناظم‌الدوله بعد) مترجم او بوده. موسیو زطی به علت آنکه مبتلا به امراض عصبی بود کمتر در مدرسه حاضر می‌شد و از این رو

۲. میرزا ملکم‌خان از ارامنه جلفای اصفهان پسر میرزا یعقوب‌ارمنی - بعدها اسلام آورد و به جدیدالاسلام شهرت یافت - است و در ۱۲۴۹ ق در اصفهان متولد شد، پدرش او را به آداب ایرانی و اسلامی بزرگ کرد و سعی نمود که زبان فارسی را به خوبی زبان مادریش - ارمنی - یادگیرد. در ۱۱ سالگی او را به پاریس فرستاد و در مدارس آنجا به تحصیل حکمت طبیعی و مهندسی پرداخت، از این رو در بازگشت به ایران (۱۲۶۷ق) به عنوان مترجم در دارالفنون به کار گمارده شد. وی که در اروپا با افکار فراماسونری آشنا شده بود سعی کرد که افکار فراماسونری را در دارالفنون اشاعه دهد و همین عمل او سبب شد که ناصرالدین شاه برای مدتی به دارالفنون بدبین شود. میرزا ملکم‌خان در طول حیات خود دارای مناصب مهمی شد از جمله سفارت ایران در لندن و در همان ایام روزنامه قانون را در لندن منتشر کرد. وی دارای القاب: ناظم‌الملک، ناظم‌الدوله، پرنس و نظام‌الدوله بود. (برای اطلاع بیشتر از حال وی که در تاریخ معاصر ایران به ویژه عصر ناصر نقش اساسی داشت نک: شرح حال رجال ایران / مهدی باملاد، ج ۴، ص ۱۲۹-۱۴۵ و ایضاً به مقدمه بازچاپ روزنامه قانون).

خود آورده است موسیو کوکاتی که در روزنامه هفته گذشته معلم سواره نوشته شده بود مشارالیه معلم دواساز است؛ در حقیقت وی معلم طبیعیات بوده.

و چند شماره بعد یعنی در نمره ۴۸ به تاریخ نهم ماه ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۸ هجری قمری پس از بیان خیر مدرسه ساخته شده در ارک سلطانی موسوم به دارالفنون و ثبت نام صد نفر شاگردان از اولاد شاهزادگان و امناء اعیان دولت و خوانین به عنوان شاگردان مدرسه می‌نویسد:

مقرب‌الخاقان میرزا علی محمدخان وزیر دول خارجه این اطفال را به حضور همایون برده و مورد التفات سلطانی گردیدند و بعد از آن در مدرسه دارالفنون برقرار گردیده شیرینی و سایر مرسومات که در این دولت علیه در ابتدای هر کاری متداول است صرف کردند و علومی که حالا در آنجا تعلیم داده می‌شود به این تفصیل است:

۱. مشق پیاده‌نظام
۲. مشق توپخانه
۳. مشق سواره‌نظام
۴. مهندسی
۵. طبابت
۶. جراحی
۷. علم دواسازی
۸. علم معادن

قرار داده‌اند که هر کدام لباس علاحدہ بپوشند که از همان لباس نظام شغل هر یک معلوم باشد و صاحب‌منصبان نمسه (= / اتریش) که در این روزها از مملکت آستریه به جهت دارالفنون آورده‌اند به آنجا رفته و هر یک مشغول تعلیم یکی از این کارها شده‌اند و از هر سبب این شغل را به طور خوب راه‌انداخته‌اند و امید است که باعث نفع دولت و خیر عامه خلق بشود.

و همین عبارت آخری یعنی «و مترجمین که به جهت دارالفنون لازم است قرار داده‌اند» بار دیگر در نمره ۵۱ تأکید شده و در صفحه دوم همان روزنامه می‌نویسد:

در باب مدرسه دارالفنون که حسب‌الامر اعلیحضرت پادشاهی در ارک سلطانی ساخته شده است و معلمین از نمسه آورده‌اند و مشغول تعلیم اطفال شاهزادگان و خوانین و اعیان

دولت علیه منسلک بودند و مشارالیه با کمال شایستگی و آراستگی هر روز در میدان مشق بیرون شهر مشغول جمیع افواج رکابی بوده و بسیار خوب از عهده برآمد، چنانچه خود از مشق افواج اظهار مسرت می نمود خدمت تعلیم شاگردان مدرسه را نیز محض شوق به خدمتگزاری این دولت علیه به عهده خود گرفته، سی نفر شاگردان پیاده نظام را با آجودانهای افواج در مدرسه درس می گوید. و عالیجاه عیسی خان خلف جناب جلالت مآب صدراعظم که سابق در نزد مرحوم علیرضاخان درس می خواند و بسیار خوب ترقی کرده بود با بیست نفر از اولاد اشراف و بزرگان که آنها نیز در نزد مرحوم علیرضا خان درس می خواندند حال در مدرسه در نزد عالیجاه قولونل مطراتسو درس می خوانند و مشارالیه می گوید: اگر چه هنوز شاگردان مدرسه را امتحان نکرده ام ولی بسیار خوب اند و هیچ نسبت به شاگردان مدارسی که در سایر دول دیده ام کم ندارند، چنانکه حال ده نفر از این شاگردان قابل آن اند که هر

۳. عبدالرسول اصفهانی پسر عبدالحسین خان پسر صدر اصفهانی، از جمله افراد ایرانی بود که زبان خارجی می دانست و در آغاز فعالیت دارالفنون به عنوان مترجم مشغول کار شد. وی در ۱۲۷۵ ق زمانی که ۴۰ یا ۴۲ نفر از فارغ التحصیلان دارالفنون جهت تحصیلات تکمیلی به فرانسه اعزام شدند، سرپرست دانشجویان اعزامی بود که زیر نظر حسنعلی خان گروسی سفیر ایران در فرانسه بودند. عبدالرسول خان با اینکه سرپرست دانشجویان بود و پیوسته در شهرهای فرانسه جوایب حال و پیگیری تحصیل دانشجویان ایرانی بود، اما به درس خواندن در ریاضی و تکمیل زبان فرانسه پرداخت و پس از هشت سال به ایران بازگشت، مدتی در دارالفنون به تدریس پرداخت و بعد به عنوان نیابت حکومت ملایر و تویسرکان رفت و پس از آن نیابت حکومت گیلان یافت و در ایام نایب الحکومگی گیلان در رشت درگذشت.

۴. جعفرقلی خان پسر دوم رضاقلی خان هدایت در ۱۲۴۷ ق متولد شد و در آغاز فعالیت دارالفنون از جمله شاگردان مدرسه بود که در رشته مهندسی فارغ التحصیل شد در ۱۲۷۶ به عنوان کتابدار مدرسه استخدام و سال بعد ناظم مدرسه شد و در ۱۲۷۸ ق، که رضاقلی خان هدایت به عنوان ریش سفید دربخانه مظفرالدین میرزای ولیعهد به آذربایجان رفت، مدیریت مدرسه بر عهده جعفرقلی گذاشته شد و در ۱۲۹۲ ق، علاوه بر ریاست دارالفنون، نیابت (= معاونت) وزارت علوم را هم عهده دار شد و تا ۱۲۹۹ در این دو شغل باقی بود، اما در این سال نیابت وزارت علوم به میرزا اسدالله خان واگذار شد. وی در ۱۳۰۲ ق ملقب به نیرالملک و در ۱۳۱۳ وزیر علوم شد و امور مدرسه دارالفنون را هم زیر نظر خود داشت در ۱۳۵۱ پسرش رضاقلی خان را مدیر مدرسه نمود. جعفرقلی خان نیرالملک تا ۱۳۲۲ قمری وزارت علوم را داشت و در این سال کنار گذاشته شد. وی یک بار دیگر در دوره مشروطه (۱۳۲۵ ق) برای مدت کوتاهی قریب به یک ماه و نیم وزیر علوم شد و پس از برکناری دیگر شغلی قبول نکرد. نامبرده در ۸۶ سالگی به سال ۱۳۲۳ در تهران درگذشت.

۵. ذوالفقار خان پسر رمضان بیگ محلاتی از دانش آموختگان دوره اول دارالفنون در رشته علم هندسه بود، در ایام تحصیل از جمله دانش آموزانی بود که با همکاری میرزا زکی مازندرانی، زیر نظر کرشیس نقشه تهران را ترسیم کردند. پس از فارغ التحصیلی از دارالفنون مترجم نمبرگ جانشین بوهلر شد.

ملکم خان به طور مستقل عهده دار تدریس بود. زطی قریب به ۲۵ ماه در ایران بود و در روز جمعه ۶ ربیع الثانی ۱۲۷۰ هجری قمری در تهران درگذشت.

پس از مرگ موسیو زطی، موسیو بوهلر فرانسوی که از دیپلمه های پلی تکنیک پاریس و از ۱۲۶۹ هجری قمری به تهران آمده بود معلم مهندسی مدرسه شد. وی حساب و هندسه و جبر و مثلثات و نقشه کشی تدریس می کرد. مترجم بوهلر در مدرسه، محمدحسین خان قاجار بود.

بوهلر چند کتاب نیز نوشت که عبدالرسول خان اصفهانی^۳ و جعفرقلی خان هدایت^۴ ترجمه و چاپ کردند و در بخش ترجمه کتابهای درسی دارالفنون بیشتر به آنها اشارت خواهد شد.

پس از بوهلر، نمبرگ نامی جانشین او شد و مترجمی نمبرگ با ذوالفقار خان ولد رمضان بیگ^۵ بود.

معلم توپخانه عالیجاه موسیو کرشیس و مترجم او میرزا زکی [است]، شاگردان مشارالیه ۲۶ نفرند، در این مدت بسیار خوب تحصیل کرده اند، علم توپخانه و علم هندسه و حساب و علم جغرافیا و مشق توپ و مشق پا را به ترتیب ایام هر روزه در کمال جدّ و جهد مشغول بوده اند، تا اکنون که به تصدیق معلم و مترجم پنج نفر از ایشان بسیار زیاده از حدّ ترقی کرده اند، چنانچه در امتحان اول صاحب نشان شدند و سایرین نیز به تفاوت بسیار خوینند. (روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۹۸)

میرزا زکی مازندرانی یا علی آبادی از تحصیل کرده های فرانسه بوده که در زمان محمدشاه قاجار به فرانسه رفته و پس از بازگشت به ایران با درجه یابوری توپخانه یا سرگرد توپخانه شروع به کار کرد، بعدها سرهنگ و سرتیپ و آجودان ناصرالدین شاه شد. تاریخ امپراطوری عثمانی اثر هامرپورگشتال، مستشرق مشهور اتریشی را او به فارسی ترجمه کرده است. وی در تهیه و تنظیم و ترسیم نقشه تهران که کرشیس / کرزیز به همراهی دانش آموختگان دارالفنون ترسیم کردند، نقش اساسی داشت. (کیان فر، جمشید، ۱۳۷۱)

معلم پیاده نظام عالیجاه قولونل (کلنل) مطراتسو ایتالیائی که با سایر صاحب منصبان همراهان خود در سلک چاکران

یک ده فوج را به قانون علمی مشق و تعلیم بدهند و حال نیز هر روزه شاگردان قابل در بیرون شهر مشغول مشق دادن افواج اند. (روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۹۸)

ذکر دو نکته در این موضع ضروری است. نخست آنکه ذکری از نام مترجم متراتسو به میان نیامده که باید اضافه کنم که در آغاز مترجم او محسن خان (حاج محسن خان معین الملک بعد)^۶ بود و بعد از او عبدالحسین خان پسر اعتماد السلطنه^۷ مترجم متراتسو شد و پس از متراتسو هم خود معلم پیاده نظام شد (کیانفر، ۱۳۷۶: ۸۰).

نکته دوم آنکه کلنل متراتسو در جزو اولین دسته از معلمانی که ذکرشان گذشت نبود، بلکه بارون گومونز اهل سوئیس معلم پیاده نظام بود و مترجمی وی بر عهده میرزا زکی مازندرانی یکی از پنج تن شاگردی بود که در ۱۲۶۰ق برای تحصیل به فرانسه رفته بود، همچنین مترجمی کرشیس را نیز بر عهده داشت.

معلم علم سواره نظام، عالیجاه، موسیونمیرو است و مترجم او آندره خیاط نمساوی است و شاگردان او پنج نفرند که مقرر است در مدرسه علم سواره نظام بیاموزند ولیکن سیصد نفر سواره جهت مشارالیه معین فرموده اند که با صاحب منصبان سواره هر روزه در بیرون دروازه مشق می کنند... (روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۹۸).

به عبارت ساده تر چون موسیو نمیرو عهده دار مشق سواره نظام هم بود، بعدها (صاحب منصبان سواره نظام را به مدرسه آورده با شاگردان خود علم سواره نظام تعلیم می کردند).

آندره خیاط از جمله اروپاییانی بود که در تهران اقامت داشتند و به کسب و تجارت مشغول بودند، پس از آمدن معلمان اتریشی برای دارالفنون مترجم آنها گشت، در آن روزگار به جز آندره خیاط اتریشی کسی که مترجم زبان اتریشی یا آلمانی باشد در تهران وجود نداشت؛ اما مترجم زبان فرانسه متعدد بود از جمله پنج تن محصلانی که در زمان محمدشاه به فرانسه رفته و

بازگشته بودند. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۲۷۰/۱)

معلم درس فرانسه عالیجاه موسیو ریشارفرانسواوی (فرانسوی) است که در سایر علوم نیز مهارتی تمام دارد و به عموم شاگردان درس زبان می گوید و قریب به ده نفر از آنها مبادرت به تکلم می توانند نمود، و معلمین انصاف می دهند که در مدارس سایر دول علم زبان را در پنج سال می توانند آموخت و اینها در این اندک زمان به این مقام رسیده اند که خوب زبان یاد گرفته اند. (روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۵۱)

باز ذکر دو نکته در این مقام ضروری می نماید: نخست آنکه در آغاز زبان فرانسه جزو دروس اساسی بود؛ ولی پس از آنکه شاگردان توانستند کم و بیش دروس معلمان اروپایی را بفهمند و معلمان هم اندکی به زبان فارسی آشنا شدند، زبان فرانسه با زبان فارسی و عربی جزو درسهای کمکی محسوب گشت.

نکته دوم آنکه در سالهای اول هر یک از معلمان اروپایی چنانکه گفته شد یک تن مترجم ایرانی داشت که درسهای او را به شاگردان می فهماند، پس موسیو ریشارخان^۸ هم یک مترجم داشت، در آغاز مترجم او

۶. محسن خان یا شیخ محسن خان پسر شیخ کاظم تاجر در حدود سال ۱۲۳۵ق متولد و در ۱۳۱۷ق وفات یافت. آغاز فعالیت اداری او از دارالفنون بود و بعد از کارکنان وزارت خارجه و در سفارت ایران در سن پترزبورگ پایتخت روسیه مشغول خدمت شد. در ۱۲۷۲ به لقب «خانی» ملقب گشت. در وزارت خارجه بیشتر در سفارتخانه های ایران در کشورهای انگلستان، فرانسه، عثمانی (ترکیه)، آلمان و ... در آغاز به عنوان نایب سفارت و بعدها با عنوانین شارژدافر (کاردار) و سفیر خدمت می کرد. وی دارای القاب معین الملک و مشیرالدوله بود.

۷. عبدالحسین خان پسر علی خان حاجب الدوله (ملقب به اعتماد السلطنه) و برادر محمدحسن خان اعتماد السلطنه، از شاگردان دوره اول دارالفنون که در رشته پیاده نظام تحصیل کرد. پس از فارغ التحصیل شدن از دارالفنون، زمانی که بارون گومونز معلم پیاده نظام به کشورش بازگشت و دولت کلنل متراتسو را به عنوان معلم پیاده نظام استخدام کرد با سمت مترجمی متراتسو در دارالفنون شروع به کار کرد و پس از او خود معلم پیاده نظام شد.

۸. ژول ریشار متولد ۱۸۱۶م/۱۲۳۱ق از جمله فرانسویانی بود که در زمان محمدشاه قاجار در ایران مقیم گشت، بعدها مسلمان شد و به میرزا رضاخان مسمی گردید. در ۱۲۸۸ق از طرف ناصرالدین شاه لقب «خانی» به وی مرحمت شد. در افتتاح دارالفنون از معلمان مدرسه بود و بعدها در جرگه کارکنان وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی درآمد. وی علاوه بر زبان مادری، زبانهای انگلیسی، ایتالیایی، اسپانیایی، آلمانی و لاتین هم می دانست. برای اولین بار اصول عکاسی روی صفحه نقره را به ایران آورد و برای نخستین بار در ایران بالون ساخت و به هوا فرستاد، همچنین پس از زکریای رازی در ایران الکل ساخت و باز برای نخستین بار یک کشتی بخاری کوچک در تهران ساخت و آن را در روز سلام عید در استخر قصر محمدیه به آب انداخت. ریشارخان از جمله فعالترین اروپاییان ساکن ایران در امر ترجمه بود و آثار فراوانی را به فارسی ترجمه کرد که از میان آنها می توان از: تاریخ ناپلئان (ناپلئون)، تاریخ اسکندر، جلوس نیکلای اول و مملکتداری او اثر بارون کورف نام برد. وی در ایران ازدواج کرد و تا پایان حیات خود در ایران زیست و در ۱۳۰۸ق در تهران درگذشت.

(محبوبی اردکانی، ۱۹۰۱).

میرزا رضا نخستین کسی است که رمان به زبان فارسی از زبان اروپایی ترجمه کرد، او کتابی به نام *سفر در اطراف اتاق* تألیف گراف اگراویه دومستر را برای ناصرالدین شاه به فارسی ترجمه کرد (انوار، سیدعبدالله، ۱۳۶۸: ۱۵۸/۱؛ کیانفر، ۱۳۶۸: ۲۳-۲۸/۱).

چارنوتا در ربیع‌الثانی ۱۲۷۰ هجری قمری پس از آنکه نزدیک به یک ماه بود که مریض بود (نوبه غش داشت) درگذشت و «حسب‌الحکم همایون به قاعده نظام او را ... با کمال احترام در همان قبرستان کلیسای ارامنه مدفون کردند» پس از فوت او مدرسه دارالفنون مدتها معلم معدن‌شناسی نداشت تا اینکه از فرانسه معلمی استخدام کردند. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۲۷۶/۱)

معلم علم طب و جراحی عالیجاه موسیو پولاک نمساوی، مترجم او محمدحسین خان قاجار [بود] بیست نفر شاگردان اوست و در کمال نظم و خوبی تحصیل می‌نمودند تا اینکه علم تشریح را که در سایر مدارس دول خارجه از قرار تقریر معلم در یک سال تحصیل می‌نمایند در سه ماه فارغ شدند و بعد از آن شروع به علم معرفت ادویه و اسباب و علامات معالجه نمود، اکنون به مقامی رسیده‌اند که معلم ایشان بنا دارد در هفته آینده آنها را به مریض‌خانه برده کیفیت معالجه را بیاموزند. در این اوقات معلم ایشان قرار داده که هر وقت در شهر معالجه غریبی از قطع و کسر و سایر اعمال بد جراحی می‌کند دو نفر از شاگردان قابل صاحب‌نشان و سه نفر دیگر از سایر

میرزا عبدالوهاب متخلص به محرم^۹ بود که به دستور ریشارخان فرانسوی، فرهنگی از فرانسه به فارسی ترجمه کرد.

ریشارخان بعدها ساکن دائمی ایران شد و در ایران ازدواج کرد و صاحب‌خانه و خانواده شد. پس از فوت او فرزندان او نیز در ایران ماندگار شدند و امروز از نسل او در تهران هنوز کسانی هستند.

معلم علم معادن موسیو چرنطای نمساوی و مترجم او میرزارضای کاشانی است، بعد از دو ماه از تعلیم شاگردان خود مأمور به بازدید معادن شد و شاگردان خود را همراه برد و از دولت علیه مخارج زیاد و انعام به آنها مرحمت شد و اکنون سنگهای گوناگون از معادن دماوند و مازندران آورده‌اند و می‌خواهند در دارالخلافه امتحان نمایند تا هر یک مقرون به صرفه باشد در آن معدن کار نمایند. شاگردان مشارالیه پنج نفرند. (*روزنامه وقایع اتفاقیه*، نمره ۹۸)

میرزا رضا کاشانی مترجم چارنوتا، جزو پنج نفر محصلانی بود که در زمان محمدشاه برای تحصیل به فرانسه رفته بود و در فرمانی که محمدشاه برای اعزام محصلان توشیح کرده بود درباره میرزا رضا نوشته بود: «میرزا رضا پاسقه و چیت ساختن و شکر صاف نمودن که قند بشود انشاءالله تعالی دیگر در پی کار رفتن، درس خواندن، در پاریس به کارهای بیهوده و تماشا نرفتن، لامذهب نشدن، که لعنت خدا به لامذهب. انشاءالله به کارهای ما برخوردارند» در حاشیه دستخط آمده: «چون میرزا رضا نقاش است در نقاشی هم می‌تواند کار کند».

میرزا رضا مترجم درس طبیعی موسیوفکتی هم بود و زمانی که فرخ‌خان امین‌الملک کاشانی (امین‌الدوله بعد) به سفارت پاریس مأمور شد، میرزا رضا که برادرزاده وی بود به عنوان مترجم سفارت همراه فرخ‌خان به پاریس رفت و از باب آنکه در زمان تحصیل مدت زمانی در شهرهای شمالی فرانسه اقامت داشت، وسیله آشنایی فرخ‌خان را با صاحبان صنایع آن نقاط فراهم آورد

۹. میرزا عبدالوهاب یزدی متخلص به محرم پسر میرزا محمدعلی محرم‌یزدی نواده آقا محمدهاشم زرگر اصفهانی که در خط نسخ از خوشنویسان معروف عصر خود بود. وی در یزد متولد شد و پدرش را در کودکی از دست داد. نامبرده پس از کسب معلومات مقدماتی عربی و ادبی و شاعری تخلص پدر «محرم» برای خود برگزید. یک بار به زیارت اماکن مقدسه بین‌النهرین (عراق امروز) رفت و در بازگشت یک چندی مقیم کرمانشاه شد و پس از آن به تهران آمد و از شعرای دربار محمدشاه قاجار شد و لقب «ملک‌الشعرا عراقین» را از او دریافت کرد. در ایام توقف تهران به فراگیری زبان فرانسه اقدام نمود و آن را به خوبی فرا گرفت و در افتتاح دارالفنون به عنوان مترجم و خلیفه معلمان فرنگی شروع به کار کرد. در همان ایام زبان انگلیسی را نیز فرا گرفت.

اروپا رفت و آزمایشگاهی برای مدرسه خرید و با خود آورد و ظاهراً آزمایشگاه خوبی بوده، چرا که دکتر فوریه درباره آن می‌نویسد: «لابراتوارهای خوبی در دسترس شاگردان هست تا بتوانند از علم به عمل بپردازند» (سه سال در دربار ایران، ص ۱۲۹).

ترجمه کتابهای درسی در دارالفنون

ترجمه کتابهای درسی در دارالفنون بیشتر به منابع نظامی و علوم پایه و پزشکی اختصاص داشت و از نظر موضوعی می‌توان آنها را به پنج دسته مشخص و معین تقسیم کرد:

۱. علوم پایه

در این رشته نخست باید از کتاب تشریح و توضیح علم جراثمقال و علم حکمت طبیعی نام برد که مؤلف آن کرشیش/کرزیر بود و مترجم آن میرزا زکی مازندرانی است که در ۱۲۷۴ هجری قمری آن را به فارسی برگردانده است. اثر شامل دو کتاب بود: علم جراثمقال، حکمت طبیعی. هر کتاب در ۴ باب تألیف یافته بود که پس از ترجمه در چاپخانه دارالفنون به حلیه طبع آراسته گشت. این اثر مصور بوده و ترسیم نقشه‌های آن از محمدتقی مقدم است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۵۶۸). این اثر همان کتابی است که اخیراً از طرف مرکز نشر دانشگاهی بار دیگر چاپ و منتشر شده است.

دوم، علم مساحت از کرشیش که ترجمه آن در ۱۲۷۴ هجری قمری برعهده میرزا زکی مازندرانی بوده، کتاب در پنج باب به شرح زیر است:

باب اول: علم مساحت،

باب دوم: در مساحت سطوی مستوی،

باب سوم: در مجسمات،

باب چهارم: در علم مثلثات،

باب پنجم: در هندسه عملی (نسخه چاپ سنگی کتابخانه

ملی به شماره ۱۲۵۷۵).

سوم، کتاب میزان الحساب باز هم از کرشیش به

همراه خود ببرد و به ایشان می‌آموزد که در کار خود مهارت کامل به هم رسانند (روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۹۸).

دکتر ادوارد یاکوب پولاک به عنوان معلم دواسازی و یا حکمت که مجموعه معلومات طبی آن عصر بود به استخدام دولت ایران درآمد. خود وی در کتابش، سمت خویش را دواسازی نوشته است و عملاً معلم طب و جراحی بود. وی از همه همکاران خود در ایران معروفتر بود؛ زیرا به دستگیری شاگردان خود یک رشته مؤلفات طبی از خود به یادگار گذاشت که معرف همیشگی اوست. دکتر پولاک، پس از مرگ دکتر کلوکه، طبیب مخصوص ناصرالدین شاه نیز بود (۱۲۷۲ ه. ق) و پس از ده سال اقامت در ایران به وطن خویش بازگشت و کتابی با عنوان ایران، سرزمین و مردم آن نوشت، علاوه بر این، مقالات و رسالات سوده‌مندی نیز درباره ایران انتشار داده است. وی نخستین بار تخم چغندر را به ایران آورد و در مقام ترویج کشت آن درآمد (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۲۷۷/۱-۲۷۶).

دکتر پولاک پس از رفتن از ایران یک بار دیگر (شعبان ۱۲۹۹ق) به ایران آمد و به اتفاق حکیم تولوزان، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه، و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در اقدسیه خدمت شاه رسید و ناصرالدین شاه التفات مخصوص به او کرد، پولاک در ایام اقامت اول خود در ایران زبان فارسی را خوب فرا گرفته بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۶: ۱۷۹).

معلم علم طبیعی و دواسازی عالیجاه موسیوفکتی و مترجم او چنانکه گذشت، میرزا رضای کاشانی (بود). شاگردان مشارالیه هفت و در علم خود کمال سعی نموده و خوب ترقی کرده‌اند، چنانکه در امتحان اول دو نفر آنها صاحب‌نشان شده‌اند (روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۹۸).

این شخص که از او به صورت فکته‌تی / فوکه‌تی یاد شده در دارالفنون فیزیک و شیمی و دواسازی درس می‌داد و چون در مدرسه آزمایشگاهی نبود، غالباً از روی نقشه و تصویر مطالب را به شاگردان می‌آموخت اما در سفری که فرسخان امین‌الملک به اروپا رفت همراه او به

در چاپخانه دارالفنون به چاپ رسیده است. (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی، شماره ۱۲۳۳۹).

دوم، کتاب جراحی در دو جلد از دکتر پولاک نمساوی با ترجمه محمدحسین خان قاجار. اثر مشتمل است بر دو جلد کتاب جراحی و یک رساله در کحالی (چشم پزشکی). جلد اول اثر به نام علاج الاسقام در ۲۹۷ صفحه، بعد رساله کحالی در ۹۶ صفحه و سپس جلد دوم اثر به نام مخزن الفوائد در ۲۰۴ صفحه به چاپ رسیده است.

در ابتدای هر کتاب فهرست مطالب آمده و اثر در ۱۲۷۳ هجری قمری در چاپخانه (دارالطباعة) دارالفنون به چاپ رسیده است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی، شماره ۱۲۲۸۳).

سوم، کتاب جلاء العیون در کحالی (چشم پزشکی). ترجمه این اثر را محمدحسین قاجار و میرزا رضا (برادر میرزا زکی مازندرانی) از شاگردان دارالفنون برعهده داشتند و کتاب در ۱۲۷۳ هجری قمری در دارالطباعة دارالفنون به چاپ رسیده است.

چهارم، قواعد الامراض یا کلیات طب فرنگی اثر شلیمر فلمنگی از معلمان طب مدرسه دارالفنون در سه باب: ۱. اسباب الامراض، ۲. علایم الامراض، ۳. در معالجه امراض

این اثر در ۱۲۹۲ هجری قمری به چاپ رسیده است. (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی، شماره ۱۲۶۴۰)

درباره شلیمر باید گفت اصلاً هلندی و از بهترین و مشهورترین پزشکان اروپایی است که پس از تأسیس دارالفنون به ایران آمده و به دولت ایران خدمت کرده است.

دکتر شلیمر قبل از تأسیس دارالفنون به ایران آمده و چندی مقیم رشت بود و در نواحی طالش به مطالعه و معالجه مرض جذام مشغول بوده در ۱۲۷۶ هجری قمری گوساله دوسری را در رشت تشریح کرد، پس از آنکه دکتر پولاک طیب مخصوص ناصرالدین شاه گشت، از دکتر

ترجمه میرزا زکی مازندرانی، چاپ در ۱۲۷۴ هجری قمری که تاریخ تقریبی ترجمه هم همین تاریخ است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۹۳۳).

چهارم، کتاب حساب با علم هندسه از کرشیش به ترجمه میرزا زکی مازندرانی در ۱۲۷۴ هجری قمری (هامرپورگشتال، ۱۳۶۷: ۱، ص بیست و شش).

پنجم، شرح ده صفحه نقشه فرنگی به ترجمه میرزا زکی مازندرانی (همانجا).

ششم، هندسه از الکساندر بوهلر / بهلر، گردآورنده جعفرقلی به ترجمه عبدالرسول اصفهانی که در ۱۲۷۳ هجری قمری در چاپخانه دارالفنون به چاپ رسیده است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۹۶۶).

این اثر مصور بوده، دارای جداول و اشکال هندسی است و ترسیم آن بر عهده علی اکبر بوده است.

هفتم، کتاب حساب از الکساندر بوهلر به ترجمه عبدالرسول خان اصفهانی که در ۱۲۷۴ هجری قمری به چاپ رسیده است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۳۳۰).

شایان ذکر است که کلیه کتابهای کرشیش که میرزا زکی مازندرانی مترجم آن بوده و در کلیه منابع به نام او ثبت شده است با همکاری دانش‌آموختگان دارالفنون که شاگردان کرشیش بودند صورت گرفته است.

۲. کتابهای پزشکی

نخستین کتابهای ترجمه شده پزشکی از آثار دکتر ادوارد یاکوب پولاک، پزشک مشهور دارالفنون است که سالها مقیم ایران و زمانی هم حکیم‌باشی شخص ناصرالدین شاه بود.

اول، کتاب تشریح اثر پولاک، نخستین اثر پزشکی اروپایی است که توسط میرزا محمدحسین خان قاجار و به نوشته برخی از منابع افشار به فارسی ترجمه شد. کتاب شامل یک مقدمه و پنج مقاله در علم تشریح همراه با جداول تشریح و واژه‌نامه است که در ۱۲۷۰ هجری قمری

محاسباتی را در بردارد و ترسیم نقشه‌های کتاب از محمدتقی مقدم است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۵۶۵).

دوم، علم مشق توپ از کرشیش با ترجمه میرزا زکی‌مازندرانی. کتاب حاضر در تعلیم توپخانه بوده و اثری است مصور، همراه با نقشه که ترسیم آن بر عهده میرزا علی‌قلی نقاش، خادم مدرسه دارالفنون بوده است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۵۸۰).

سوم، کتاب قواعد مشق دسته و قاعده و قانون نظم توپخانه مبارکه از کرشیش به ترجمه میرزا زکی‌مازندرانی. کتاب در دو بخش تنظیم شده: بخش اول تا صفحه ۷۱، که بخش اصلی کتاب است. بخش دوم در خدمات اهل توپخانه اولاً در نظم و اطاعت توپچیان که در حقیقت آئین‌نامه نظامی است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۶۵۸).

چهارم، کتاب علم تحصن یا علم قلعه‌سازی تألیف الکساندر بوهلر به ترجمه علی‌اکبر شیرازی در ۱۲۷۵ هجری قمری با مقابله از محمد میرزا ولد شاهزاده محمود میرزا از شاگردان مدرسه. کتاب مصور بوده شامل طرح و نقشه و ساختمان قلعه‌ها که ترسیم اشکال هم از مترجم کتاب است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۵۶۰).

پنجم، کتاب اعمال محاصره و ملزومات آن از الکساندر بوهلر به ترجمه جعفرقلی‌خان. اثر شامل ۱۶ درس است که از فرانسه به فارسی ترجمه شده و دارای ۲۵ نقشه و شکل نظامی است عمل علی‌اکبر شیرازی (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۱۲۵).

ششم، کتاب توپخانه کوهی یا قهپوز کوهی با تألیف و ترجمه مصطفی قلی. اثر مشتمل بر یک باب و چند جزو؛ و هر جزو در چند فصل، و هر فصل در بیان حرکتی مخصوص است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۲۵۷).

هفتم، کتاب فرامین مشق ژیمناستیک، به ترجمه

شلیمر برای تدریس در دارالفنون استفاده شد. او به کمک شاگردان خود کتبی چند در طب نوشت و به چاپ رساند. وی، علاوه بر تدریس پزشکی، از شیشه‌سازی هم سررشته داشته و می‌خواست با وسایل ساده در ایران بلور بسازد، ولی ظاهراً در این امر توفیق نیافت چنانکه درباره او گفته‌اند:

ای شلیمر یک زمان در کار خود اندیشه کن
گر نمی‌گردد بلور این کوره آن را شیشه کن

دکتر شلیمر تا سال ۱۲۸۳ هجری قمری معلم طب دارالفنون بود. پس از وی میرزا رضا (برادر میرزا زکی‌مازندرانی) از شاگردان او که در فرانسه هم تحصیل طب کرده و دکتر شده بود، جانشین شلیمر شد و از این به بعد شلیمر آزادانه به طبابت در ایران مشغول گشت (محبوب‌اردکانی، ۱۳۵۴: ۲۷۷-۲۷۸/۱). باید از کتابهای دیگری چون کتابچه برای طب نظامی، کتاب معالجه و تدابیر امراض و مفردات طب هم نام برد که احتمالاً از دکتر پولاک بوده و محمد حسین خان قاجار مترجمی آنها را برعهده داشته است.

همچنین از کتاب امراض عصبانی یا نوژن اثر کریزول فرانسوی، ترجمه علی‌بن زین‌العابدین همدانی مشهور به رئیس‌الاطباء در ۱۲۹۷ هجری قمری یاد کرد. کتاب حاضر در یک مقدمه و پنج مقاله و خاتمه است. در مقدمه چگونگی و مراحل ترجمه به لسان مترجم آن آمده و در خاتمه خلاصه‌ای از زندگی و معرفی تألیفات و خدمات مؤلف یاد شده است. (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۱۳۳)

۳. کتابهای نظامی

کتابهای ترجمه‌شده نظامی نیز عمدتاً تألیف معلمانی چون کرشیش و بوهلر بوده:

نخست، علم توپخانه اثر کرشیش به ترجمه میرزا زکی‌مازندرانی در ۱۲۷۵ هجری قمری در شش باب در علم توپخانه، صفحات پایانی کتاب اشکال و جداول و

میرزا تقی‌خان امیرکبیر، بانی و مؤسس دارالفنون که گویا به فرانسویها همانند روسها و انگلیسها نظر خوشی نداشت، نفوذ زبان فرانسه از راه دارالفنون در تعلیمات ایران رسوخ یافت.

معلمی زبان فرانسه دارالفنون برعهده ریشارخان فرانسوی بود و کتابهایی را که تألیف کرده در حقیقت تألیف و ترجمه است و در همه جا از خود با عنوان (معلم و مترجم زبان فرانسه در مدرسه سلطنتی ایران) یاد می‌کند. نخستین کتاب او عنوان *دیالگ* دارد.

کتاب با الفبای فرانسه آغاز می‌شود، سپس اعداد می‌آید و در هر بخش ابتدا واژه‌ها در دو ستون: ستون چپ به فرانسه و ستون راست به فارسی است. مطالب دستوری در ابتدای هر بخش به صورت خلاصه آمده؛ کتاب در ۶ فصل تنظیم شده در پایان جمله‌های خاص را دربردارد. بعضی صفحه‌ها پاورقی کوتاهی دارد (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۴۶۵).

کتاب دوم موسیو ریشار *طریقه جدید عملی و آسان برای یادگیری زبان فرانسه* نام دارد. این کتاب نیز در شش فصل تدوین شده و به سعی مخبرالدوله در چاپخانه دارالفنون به طبع رسیده است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۵۲۱).

سوم، کتاب *تلفظ حقیقی زبان فرانسه*، این اثر تألیف و ترجمه میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی ملقب بسه مزین‌الدوله است. کتاب شامل پنجاه تعلیم است که در بعضی از آنها به طور خلاصه نکات دستوری هم آمده است. کتاب به صورت واژه‌نامه تنظیم شده و در هر صفحه سه ستون دارد: ستون اول: واژه فرانسه، ستون دوم: واژه فارسی، ستون سوم: آوانگار فارسی به فرانسه. کتاب جهت متعلمین مدرسه دارالفنون تهران تألیف و ترجمه شده است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۲۵۳).

۵. کتاب هنر

از سال تأسیس دارالفنون تا سال ۱۳۰۰ هجری قمری مبنای

کاپیتین واکتر، مهدی‌قلی‌خان سرهنگ و حسن‌خان یاور توپخانه، به کوشش میرزا محمدنایب. پانزده صفحه اول کتاب اصطلاح مشق نظامی است؛ بقیه کتاب شامل قوانین نظامی، وظایف صاحب‌منصبان، قوانین توپخانه و غیره که در چهار باب تنظیم شده و هر باب شامل چند فصل است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۶۰۳).

هشتم، کتاب *قواعد مشق و فنون توپخانه*، در سه بخش: قانون نظام، قانون توپخانه و در آداب توپخانه. کتاب حاضر اثر پرورشگ خان اتریشی سرتیپ و معلم توپخانه مبارکه، ترجمه آن به عهده حسن‌خان سرهنگ بوده. این اثر مشتمل بر کلیه قواعد مشق و فنون توپخانه و مصور است. دارای تصاویری از شکل قرار گرفتن توپها که ترسیم اشکال از رضاخان یاور و مهندس توپخانه است. ظاهراً مؤلف کتاب در جرگه معلمان دارالفنون نبوده، اما اثرش به عنوان کتاب درسی در دارالفنون مورد استفاده قرار می‌گرفته است (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۶۶۰).

۴. کتابهای زبان

زبان خارجی که در مدرسه دارالفنون تدریس می‌شد زبان فرانسه بود و حتی زبان ترجمه در دارالفنون هم در کلاسهای درس توسط مترجمان معلمان از فرانسه بود، چون اکثر کسانی را که به عنوان مترجم حضوری در کلاسهای درس معلمان برگزیده بودند زبان فرانسه می‌دانستند. با وجودی که معلمان اتریشی و ایتالیایی بودند ولی زبان فرانسه، زبان واسطه و زبان علم در دارالفنون شد و کسانی چون میرزا ملکم‌خان، حاج محسن‌خان، میرزا آقا، میرزا جعفر، میرزا زکی، محمدحسین خان قاجار و میرزا عبدالوهاب محرم یزدی و امثال اینان یا در فرانسه درس خوانده بودند و یا به زبان فرانسه آشنا شده بودند، می‌توانستند احتیاجات دارالفنون را برآورند و در نتیجه علی‌رغم میل باطنی

ذیل آن از هانری ماتیه است. بعد از میرزا زکی مازندرانی باید از محمدحسین خان قاجار نام برد که ترجمه کتابهای دکتر پولاک بر عهده وی بوده است.

در یک جمع‌بندی مختصر و مفید اگر بخواهیم از ویژگیهای ترجمه در مدرسه دارالفنون یاد کنیم باید بگوییم:

۱. ترجمه بیشتر کتابها به منابع نظامی، علوم پایه و پزشکی اختصاص داشت.
۲. ترجمه کتابها توسط مترجمانی که کمک مربی یا مترجم درس بودند صورت می‌گرفت.
۳. گاهی ترجمه‌ها توسط دانش‌آموزان مدرسه دارالفنون زیر نظر معلم و مترجم بوده است.

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۶)، *روزنامه خاطرات*، امیرکبیر، تهران؛
انوار، سیدعبدالله (۱۳۳۸)، *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی*، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ج ۴، تهران؛
پورگشتال، هامر (۱۳۳۷)، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمه میرزا زکی مازندرانی، به اهتمام جمشید کیان‌فر، زرین، تهران؛
روزنامه دولت علیه ایران (۱۳۷۰)، به کوشش جمشید کیان‌فر، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران؛
روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۳۷۲)، بازچاپ کتابخانه ملی ایران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران؛
ملطانی‌فر، صدیقه و دیگران (۱۳۷۷)، *فهرست کتابهای چاپ سنگی درسی*، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران؛
فوروپه (۱۳۲۵)، *سه سال در دربار ایران: خاطرات دکتر فوروپه پزشک ویژه ناصرالدین شاه*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، انتشارات علمی، تهران؛
کیان‌فر، جمشید (۱۳۳۸)، *نهضت ترجمه در عهد قاجار از آغاز تا دوره ناصرالدین شاه*، نشر دانش، سال دهم، تهران؛
_____ (۱۳۷۱)، *ترجمه گذرگاه غرب به شرق*، کتاب سروش؛
(مجموعه مقاله)، انتشارات سروش، تهران؛
مجویی‌اردکانی، حسین (۱۳۵۴)، *تاریخ مؤسسات تمدن جدید در ایران*، انتشارات انجمن دانشجویان دانشگاه تهران، تهران. ■

تفحص در کتابهای درسی و ترجمه کتاب دارالفنون بوده و، بنابراین، تا سال ۱۳۰۰ق فقط به یک کتاب هنری درسی ترجمه شده برخوردارم. عنوان کتاب موردنظر تعریف علم موسیقی تألیف کوهن به ترجمه علی‌اکبرخان نقاشباشی مزین‌الدوله (معلم زبان فرانسه و نقاشباشی مدرسه مبارکه دارالفنون) است.

کتاب در زمان ناصرالدین شاه قاجار به فرمایش علی‌قلی‌خان مخبرالدوله وزیر علوم و مواظبت جعفرقلی‌خان (نیرالدوله بعد) رئیس مدرسه مبارکه طهران چاپ شده و موسیو لومر/ لیمر معلم مدرسه مبارکه طهران آن را به شاگردان طبقه مخصوص موزیک تدریس می‌کرده است.

اثر حاضر در ۱۷ فصل تدوین شده که شامل کلیات علم موسیقی، پرده‌ها، گامها، نُتها و غیره است. در قسمت چاپ کتاب متن فرانسه و در قسمت راست ترجمه فارسی آمده است. به عبارت دقیقتر، کتاب دو زبانه بوده و شکلهای تنها نیز در اکثر صفحات مشاهده می‌شود (نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی به شماره ۱۲۲۴۰).

نتیجه

مدرسه دارالفنون، اولین کالج فرهنگی ایران، از بدو تأسیس نیازمند مترجم و ترجمه بود. نخست مترجم به صورت حضوری در کلاسهای درس حضور می‌یافت و درس معلمان را به شاگردان می‌فهماند. دوم به صورت کتاب، چرا که نخستین تألیفات معلمان دارالفنون به زبانی غیر از زبان فارسی بود، از این‌رو، در آغاز مترجمان همچون ترجمه مطالب معلمان در کلاس درس، نوشته‌های آنان را به فارسی برگرداندند. پرکارترین معلم مدرسه در مقام تألیف نخست کرشیش نمساری بود؛ دوم دکتر پولاک، سوم آلکساندر بوهلر. پرکارترین مترجم در مدرسه میرزا زکی مازندرانی است که وی افزون بر ترجمه کتابهای دروس دارالفنون مترجم کتابهایی تاریخی چون *تاریخ گل (فرانسه)*، *تاریخ امپراطوری عثمانی اثر هامر پورگشتال* و